



پژوهش‌های زبانی

(مجله سابق دانشگاه ادبیات و علوم انسانی)

علمی-پژوهشی

شماره استاندارد بین‌المللی ۹۲۸۹ - ۲۲۵۱

دوره ۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره پیاپی ۲

سازمانهای علمی و تحقیقاتی

- ۱ «ریتون انگشتی»، «آسمان سر»، «حسن گوشایی» : مطالعه‌ای موردی از ابداعات واژگانی
فاطمه ابراهیمی پارسا
- ۱۷ بررسی کاربرد شناختی عبارت‌های اختیاط‌آمیز در مقالات علمی-پژوهشی فارسی
دکتر اعظم استاجی، فهیمه افشن
- ۳۷ گروه سور و گروه ممیز در بلوچی سرحدی. تحلیلی کمینه‌گرا
دکتر علی درزی، دکتر ناهید یارحمدزه
- ۵۷ بررسی ریشه‌شناختی چند فعل هورامی
حسین سلگی، دکتر رحمان بختیاری
- ۷۷ کشش جبرانی در زبان فارسی: یک آزمایش ادراگی
دکتر وحید صادقی
- ۹۵ بازبینی حالت مطلق در ساخت کنایی (ارگتیو)
دکتر یادگار کریمی
- ۱۱۵ رویکردی شناختی به مسئله هم‌معنایی بافتی در سطح افعال زبان فارسی
راحله گندمکار
- ۱۲۷ ظاهر آهنگی تکیه دومین در زبان فارسی معاصر
امیر سعید مولودی، دکتر محمود بی‌جن خان

بررسی کاربرد شناختی عبارتهای احتیاط‌آمیز

در مقالات علمی- پژوهشی فارسی

(ص ۳۶ - ۱۷)

دکتر اعظم استاجر

دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد^۱

نهیمه افشاری

کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه، فردوسی مشهد

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش فطعن: ۹۰/۷/۱۱

چکیده

در پژوهش حاضر به بررسی و مقایسه کاربرد عبارتهای احتیاط‌آمیز در مقالات علمی- پژوهشی زبان فارسی در رشته‌های شیمی و ادبیات پرداخته شده است. استفاده از عبارتهای احتیاط‌آمیز نفس عمده‌ای در گفتمان علمی داشته و در واقع ابزاری است که بیانگر تردید نویسنده و عدم قطعیت گزاره بوده و نویسنده با استفاده از آنها میتواند عدم پاییندی کامل به ارزش صدق یک گزاره را نشان دهد. پیکره مورد بررسی شامل یکصد و چهارده مقاله (بنجاه و هفت مقاله شیمی، بنجاه و هفت مقاله ادبیات) می‌باشد. در این تحقیق عبارتهای احتیاط‌آمیز به شش گروه فعل و جهی، فعل اصلی، قید، اسم، صفت و ارجاع تقسیم شده است. نتایج تحلیل نشان میدهد توزیع عبارتهای احتیاط‌آمیز در دو رشته ادبیات و شیمی متفاوت است، بطوری که بسامد این ابزار در رشته ادبیات بیشتر از شیمی است و این متنله به دلیل طبیعت متفاوت و ماهیت استدلالهای مربوط به دو رشته یاد شده می‌باشد. در مورد انواع مختلف عبارتهای احتیاط‌آمیز مشاهده شده در هر دو رشته، عبارات قیدی بیشترین و صفات احتیاط‌آمیز کمترین بسامد را دارا می‌باشند. با مقایسه بسامد شش گروه یاد شده بین دو رشته نیز میتوان ادعا کرد در میزان کاربرد ارجاع و افعال وجهی احتیاط‌آمیز در مقالات ادبیات و شیمی تفاوت معنی داری وجود دارد، به طوری که ارجاع در ادبیات، و افعال وجهی در شیمی کاربرد بیشتری دارد.

واژه‌های کلیدی: عبارات احتیاط‌آمیز، گفتمان علمی، وجه معرفتی، تردید، عدم قطعیت

۱- مقدمه

تحلیل گفتمان، مطالعه جنبه‌های مختلف چگونگی استفاده از زبان است که بر روی کارکردهای واحدهای زبانی متعرک است. در این پژوهش به بررسی یکی از واحدهای زبانی تحت عنوان «عبارات احتیاط‌آمیز» میپردازیم که اخیراً موضوع بسیاری از پژوهش‌های زبان‌شناسانه قرار گرفته است.

استفاده از عبارتهای احتیاط‌آمیز یک استراتژی ارتضاطی مهم در ارتباطات کلامی و نوشتاری میباشد. بنابراین برای اینکه بتوان ارتباط موثری برقرار کرد باید با کاربرد درست این عبارات در موقعیتهای ارتضاطی مختلف آشنا شد. عبارات احتیاط‌آمیز ابزاری است که نشان‌دهنده تردید نویسنده و عدم قطعیت گزاره مطرح شده میباشد. با توجه به تفاوت ماهیت تحلیلها و استدلالهای دو حوزه شیعی و ادبیات به نظر میرسد. الف- میزان استفاده از عبارات احتیاط‌آمیز در مقالات رشته ادبیات نسبت به رشته شیعی بیشتر است.

ب- میزان وقوع صورتهای مختلف عبارات احتیاط‌آمیز در متون مختلف یکسان نیست. در همین راستا مقاله حاضر به بررسی چگونگی کاربرد این عناصر در مقالات علمی - پژوهشی این دو حوزه میپردازد.

۲- مروری بر پیشینه تحقیق

اصطلاح «عبارات احتیاط‌آمیز» در مقابل اصطلاح انگلیسی «Hedges» به کار رفته است. استفاده از این اصطلاح به عنوان یک اصطلاح زبان‌شناسی مرسوب به اوائل دهه ۱۹۷۰ میباشد، زمانی که لیکاف^۲ (۱۹۷۲) مقاله خود^۳ را در زمینه عبارتهای احتیاط‌آمیز منتشر کرد (به نقل از: هاوی^۴ ۲۰۰۴). لیکاف عبارتهای احتیاط‌آمیز را واژه‌هایی میداند که «معنای آنها تلویحاً شامل ابهام^۵ میباشد و نقش آنها این است که ابهام کلام را افزایش یا کاهش دهد» (لیکاف ۱۹۷۳: ۴۷۱). از این زمان به بعد بررسی عبارتهای احتیاط‌آمیز در نظر زبان

2. George Lakoff

3. (Hedges: A study in meaning criteria and the logic of fuzzy concepts)

4. Hovy

5. fuzziness

شناسان موضوعی قابل توجه بوده و از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین بذریح مفهوم و دامنه اصطلاح عبارتهای احتیاط‌آمیز گسترش یافته است.

هایلند^۶ (۱۹۹۸) نیز با تکیه بر اهمیت عبارتهای احتیاط‌آمیز در مقالات علمی به تعریف این عبارات میپردازد: «ابزاری که از طریق آن توصیه میتواند یک گزاره را به جای حقیقت مسلم به صورت نظر و عقیده ارائه کند. یک عنصر فقط در صورتی عبارت احتیاط‌آمیز محسوب میشود که مفهوم معرفتی^۷ داشته و بیانگر تردید و عدم قطعیت باشد» (هایلند ۱۹۹۸: ۵). پژوهش در مورد استفاده از عبارتهای احتیاط‌آمیز از جنبه‌های کاربردی مختلفی دارای اهمیت میباشد؛ به عنوان مثال مطالعات (هایلند ۱۹۹۶) نشان داده است که عموماً توصیه‌گران غیربومی قادر نیستند در بیانات خود، به طور مژتری از عبارتهای احتیاط‌آمیز بهره جویند، بنابراین در زمینه استفاده مناسب از عبارتهای احتیاط‌آمیز نیاز به آگاهی و آموزش دارند.

بیشترین توجه به عبارتهای احتیاط‌آمیز مربوط به نقش این قبیل عبارات در محاوره میباشد. در واقع بسامد استفاده از عبارتهای احتیاط‌آمیز در محاوره تقریباً دو برابر گفتمان^۸ مکتوب است و به این ترتیب کمک میکند تا سخنگویان فضایی دوستانه و صمیمی ایجاد کنند، بحث را تسهیل کنند و ادای احترام کرده یا نفس داشن یا واگان را پنهان کنند (کوتس^۹ ۱۹۸۷).

مدل پیشنهادشده توسط براون و لویستون (۱۹۸۷) در زمینه استراتژیهای ادب نیز ایده‌های جدیدی برای بررسی نقش عبارتهای احتیاط‌آمیز ارائه داد. سخنگویان از ابزارهای نحوی و لغوی متفاوتی استفاده میکنند تا قادرت ادعا و بیانات خود را کاهش دهند؛ جراحت سخنگویان تعامل به حفظ وجهه^{۱۰} دارند تا از جانب شنونده بیشتر مورد پذیرش قرار گیرند و همزمان از انعقادهای احتمالی بگریزند. این ابزارها را میتوان براساس بافت، به عنوان عبارتهای احتیاط‌آمیز تعبیر کرد (مارکانن^{۱۱} و شرودر^{۱۲} ۱۹۹۶).

6. Ken Hyland

7. epistemic

8. discourse

9. Coates

10. face

11. Raija Markkanen

به نظر میرسد از اوآخر دهه ۱۹۸۰ به بعد، بررسی نقش عبارتهای احتیاط‌آمیز در گفتمان شفاهی کمرنگتر شده و در متون نوشتاری و مخصوصاً گفتمان علمی مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. میرز^{۱۲} (۱۹۸۹) با بررسی متون زیست‌شناسی، عبارتهای احتیاط‌آمیز را تدبیری جهت حفظ وجهه میداند. وی معتقد است هر ادعایی که در زمینه علمی صورت میگیرد برای سایر محققان آن رشته نوعی تهدید میباشد، چون برای آزادی عمل آنها محدودیت ایجاد میکند. استفاده از عبارتهای احتیاط‌آمیز باعث تعدیل و تخفیف گزاره‌ها میشود، به گونه‌ای که مخاطبان احساس میکنند که آنها نیز میتوانند قضاوت کنند و نویسنده متکی بر نظر موافق آنها است.

هایلند (۲۰۰۶) با استفاده از چندین اثر مکتوب علمی و آموزشی در سطوح مختلف توصیف زبانی به بررسی دقیق و تحلیل کاربردشناختی عبارتهای احتیاط‌آمیز پرداخته است. او عبارتهای احتیاط‌آمیز را براساس نقش آنها به دو مقوله «محتوامحور»^{۱۳} و «خواننده‌محور»^{۱۴} تقسیم کرده است. دسته «محتوامحور» نیز به دو گروه «اصحت محور»^{۱۵} و «نویسنده‌محور»^{۱۶} دسته‌بندی شده‌اند. براساس این تقسیم‌بندی نقشهایی که هایلند برای عبارتهای احتیاط‌آمیز قائل است شامل موارد زیر میباشد:

اولاً عبارتهای احتیاط‌آمیز این امکان را فراهم میکنند که نویسنده بتواند گزاره‌ها را با دقت بیشتری ارائه کند و عبارتی را که درباره آن اطمینان کافی وجود ندارد با ملاحظه زیاد بیان کند (اصحت محور). دلیل دوم استفاده از عبارتهای احتیاط‌آمیز تعابیل نویسنده برای پیش‌بینی عواقب منفی احتمالی میباشد که ممکن است از نادرست بودن گزاره ناشی شود (نویسنده‌محور). سرانجام این عبارات به نویسنده امکان میدهد یک عبارت را بجای حقیقتی مسلم به یک دیدگاه احتمالی تبدیل کند و به این صورت یک نظر شخصی را که متظر تأیید خواننده است ارائه دهد (خواننده‌محور) (هایلند ۱۹۹۵).

12. Hartmut Schroder

13. Myers

14. content - oriented

15. reader - oriented

16. accuracy - oriented

17. writer - oriented

علاوه بر این چندها، پژوهشگران به بررسی کاربرد عبارتهای احتیاط‌آمیز در رشته‌های مختلف علمی نیز پرداخته‌اند. در همین زمینه برخی مانند مارکان و شرودر (۱۹۹۷) معتقدند تفاوت موجود میان کاربرد عبارتهای احتیاط‌آمیز در متون رشته‌های مختلف برخلاف تصور برخی از پژوهشگران چنان‌انه اهمیت ندارد. با این وجود وارتالا (۲۰۰۱) با اطمینان عنوان میکند که تفاوت‌های قابل توجهی در کاربرد عبارتهای احتیاط‌آمیز در مقالات علمی - پژوهشی رشته‌های مختلف وجود دارد. یافته‌های پژوهش وارتالا نشان داد میزان کاربرد عبارتهای احتیاط‌آمیز در مقالات پژوهشی رشته اقتصاد که متعلق به علوم انسانی است نسبت به رشته پرشکی که رشته‌ای تجربی است و همچنین نسبت به رشته فنی بیشتر است.

استفاده از عبارتهای احتیاط‌آمیز یک پدیده مستقل زبانی بیست بلکه با مفاهیم متعددی رابطه دارد. در ادامه به برخی مفاهیم مرتبط با عبارتهای احتیاط‌آمیز اشاره میکنیم.

۳- عبارتهای احتیاط‌آمیز و وجه

یکی از مفاهیم زبان‌شناسی که رابطه نزدیکی با عبارتهای احتیاط‌آمیز داشته و دارای کاربرد و عملکردی مشابه این قبیل عبارات میباشد، مفهوم وجه است. به طورکلی این دو مفهوم ممکن است به میزان کم یا زیاد همپوشی داشته باشند. در اکثر دیدگاههای زبان‌شناسی دو زیرمقوله عمدۀ برای وجه در نظر گرفته میشود: وجه معرفتی^{۱۸} و وجه تصمیمی^{۱۹}.

وجه معرفتی با فرضیات گوینده (نویسنده) یا تخمین احتمالات در ارتباط است و در اکثر موارد بیانگر اطمینان یا عدم اطمینان او در مورد درستی گزاره مطرح شده میباشد (کوتς ۱۹۸۳: ۱۸). به اعتقاد پالمر نیز عناصر وجه معرفتی، بیانگر میزان تعهد گوینده به آنچه که میگویند میباشد (پالمر ۱۹۸۶: ۵۱).

مفهوم دیگر، وجه تصمیمی است. «عناصر وجه تصمیمی ارزاری میباشد که گوینده برای نمایش تصمیم خود نسبت به وقوع یک گزاره مورد استفاده قرار میدهد، به طورکلی وجه تصمیمی میتواند شانگر الزام یا اجازه باشد» (صفوی ۱۲۸۴: ۱۱۹).

۱۸. epistemic modality

۱۹. deictic modality

۲۰. Palmer

با توضیحات ارائه شده میتوان نتیجه گرفت عبارتهای اختباط‌آمیز مفهومی مشابه عناصر وجه معرفتی دارند؛ به این دلیل که هر دو مفهوم، بیانگر میزان اطمینان نویسنده با گوینده از درستی گزاره و همچنین میزان تعهد او به گزاره میباشد. اضافه مبکردد در هر دو زبان انگلیسی و فارسی مقوله وجه معرفتی با عدم قطعیت توأم است. اما در این مورد نیز ابزارهای بیان وجه معرفتی از یک زبان به دیگری برگردان نشده است. در همه حال، ملاک تعریف مقوله بوده است و با در نظر گرفتن این ملاک عناصر نشانگر وجه معرفتی در زبان فارسی مشخص شده است.

۴- عبارتهای اختباط‌آمیز و ابهام^{۲۱}

منهrom دیگری که با عبارتهای اختباط‌آمیز تداخل دارد و درواقع بکسی از دلایل استفاده از این قبیل عبارات محسوب میشود مسئله ابهام است. ابهام شامل عباراتی (مانند حدود، نوعی و...) میشود که نشان‌دهنده غیردقیق و غیرصریح بودن است و از این جنبه با مسئله اطمینان^{۲۲} ارتباط می‌یابد که هر دو کیفیت، کمیت، هویت و سایر ویژگیهای موضع مورد بحث را نامعلوم و همراه با تردید جلوه میدهد (Mauranen^{۲۳} ۱۹۹۷).

به اعتقاد مارکانن و شرودر معمولاً نویسنده با گوینده در صورتی که داده‌های دقیق نداشته باشد، یا نیازی به ادعای فاطع نباشد و با کاملاً از گفته خود مطمئن نباشد بیانات خود را بصورت مبهم ارائه میدهد (مارکانن و شرودر ۱۹۹۷: ۲۴۰ - ۲۴۱).

۵- داده‌ها و روش تحلیل

برای انجام این پژوهش ابتدا پنجاه و هفت مقاله ادبیات فارسی و پنجاه و هفت مقاله شیمی به ترتیب از «مجله علمی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد» و «نشریه شیمی و مهندسی شیمی ایران» به طور تصادفی انتخاب شد. مقالات انتخاب شده مربوط به سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ میباشد.

21. vagueness

22. certainly

23. Mauranen

با توضیحات ارائه شده میتوان نتیجه گرفت عبارتهای اختباط‌آمیز مفهومی مشابه عناصر وجه معرفتی دارند؛ به این دلیل که هر دو مفهوم، بیانگر میزان اطمینان نویسنده با گوینده از درستی گزاره و همچنین میزان تعهد او به گزاره میباشد. اضافه مبکردد در هر دو زبان انگلیسی و فارسی مقوله وجه معرفتی با عدم قطعیت توأم است. اما در این مورد نیز ابزارهای بیان وجه معرفتی از یک زبان به دیگری برگردان نشده است. در همه حال، ملاک تعریف مقوله بوده است و با در نظر گرفتن این ملاک عناصر نشانگر وجه معرفتی در زبان فارسی مشخص شده است.

۴- عبارتهای اختباط‌آمیز و ابهام^{۲۱}

منهrom دیگری که با عبارتهای اختباط‌آمیز تداخل دارد و درواقع بکسی از دلایل استفاده از این قبیل عبارات محسوب میشود مسئله ابهام است. ابهام شامل عباراتی (مانند حدود، نوعی و...) میشود که نشان‌دهنده غیردقیق و غیرصریح بودن است و از این جنبه با مسئله اطمینان^{۲۲} ارتباط می‌یابد که هر دو کیفیت، کمیت، هویت و سایر ویژگیهای موضع مورد بحث را نامعلوم و همراه با تردید جلوه میدهد (Mauranen^{۲۳} ۱۹۹۷).

به اعتقاد مارکانن و شرودر معمولاً نویسنده با گوینده در صورتی که داده‌های دقیق نداشته باشد، یا نیازی به ادعای فاطع نباشد و با کاملاً از گفته خود مطمئن نباشد بیانات خود را بصورت مبهم ارائه میدهد (مارکانن و شرودر ۱۹۹۷: ۲۴۰ - ۲۴۱).

۵- داده‌ها و روش تحلیل

برای انجام این پژوهش ابتدا پنجه و هفت مقاله ادبیات فارسی و پنجه و هفت مقاله شیمی به ترتیب از «مجله علمی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد» و «نشریه شیمی و مهندسی شیمی ایران» به طور تصادفی انتخاب شد. مقالات انتخاب شده مربوط به سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ میباشد.

21. vagueness

22. certainly

23. Mauranen

از آنجا که پژوهشها نشان داده است بیشترین بسامد حضور عبارتهای احتیاط آمیز مربوط به بخش بحث مقالات علمی است^{۲۴} (هایلند ۱۹۹۵؛ وارتالا^{۲۵} ۲۰۰۱)، بنابراین در این پژوهش بخش «بحث» مقالات جهت بررسی عبارتهای احتیاط آمیز مدنظر قرار گرفته است و بخش‌های مقدمه و نتیجه‌گیری از داده‌ها حذف شده‌اند. لازم به ذکر است جهت یکسان‌سازی متون مورد مقایسه و محاسبه تعداد واژه‌های مورد مقایسه، همه ارجاعات داخل پرانتز، زیرنویسها، متون عربی، ایات، جداول و محاسبات عددی نیز از داده‌های مورد نظر حذف شده‌اند. به طورکلی پیکره مورد بررسی شامل ۱۰۳۳۷۱ واژه می‌باشد.

به این دلیل که دیدگاه اتخاذ شده در پژوهش حاضر الزاماً دیدگاهی کاربردشناسانه است، شناسابی عبارتهای احتیاط آمیز براساس نقشی که در بافت دارند و نیز براساس هدف نویسنده از به کار بردن آنها تعیین شد. چون هیچ معیار صوری و از پیش تعیین شده‌ای برای تشخیص عبارتهای احتیاط آمیز وجود ندارد و از طرفی ارزش و مفهوم هر واژه با عبارت نیز با توجه به محدودیتها و شرایط کاربردشناسی قابل تغییر است، تشخیص دقیق عبارتهای احتیاط آمیز بسیار مشکل می‌باشد و تا حد زیادی بستگی به برداشت شخص^{۲۶} دارد.

در این تحقیق تعریفی که هایلند (۱۹۹۸) برای عبارتهای احتیاط آمیز ارائه کرده ملاجی تشخیص این عبارات قرار گرفته است. براساس این تعریف عبارتهای احتیاط آمیز ابزاری می‌باشد که بیانگر تردید و عدم قطعیت بوده و نویسنده با استفاده از آنها می‌تواند عدم پایبندی کامل به ارزش صدق یک گزاره را نشان دهد و از عواقب منفی احتمالی جلوگیری کند. لازم به توضیح است که در این تحقیق عبارات احتیاط آمیز زبان انگلیسی به طور خودکار به فارسی برگردان نشده‌اند. ملاج، تعریف عبارات احتیاط آمیز بوده است؛ سپس هر ابزاری که در زبان فارسی این نقش را بر عهده داشته باشد به عنوان عبارت احتیاط آمیز تلقی شده است. بنابراین هر چند تعریف هایلند از این مقوله ملاج قرار گرفته اما روشن است که نمودهای زبانی آن از زبانی به زبانی دیگر فرق نمی‌کند.

۲۴. لازم به توضیح است که این پیش‌فرض تنها بر انتخاب بخش‌های مورد مقایسه (بخش بحث مقالات) تأثیر داشته، اما بر سوال اصلی تحقیق که مقایسه کاربرد این عبارات در دو نوع متن است تأثیری نداشته است. پیش‌فرض مذکور بعده را در انتخاب بخش از مقالات که بیشترین مزان عبارات احتیاط آمیز در آن ظاهر شود می‌کند. نتایج تحقیق نویسنده‌گذشت کاربرد عبارات احتیاط آمیز در «بخش بحث» مقالات ادبیات و شیعی است.

از آنجا که پژوهشها نشان داده است بیشترین بسامد حضور عبارتهای احتیاط آمیز مربوط به بخش بحث مقالات علمی است^{۲۴} (هایلند ۱۹۹۵؛ وارتالا^{۲۵} ۲۰۰۱)، بنابراین در این پژوهش بخش «بحث» مقالات جهت بررسی عبارتهای احتیاط آمیز مدنظر قرار گرفته است و بخش‌های مقدمه و نتیجه‌گیری از داده‌ها حذف شده‌اند. لازم به ذکر است جهت یکسان‌سازی متون مورد مقایسه و محاسبه تعداد واژه‌های مورد مقایسه، همه ارجاعات داخل پرانتز، زیرنویسها، متون عربی، ایات، جداول و محاسبات عددی نیز از داده‌های مورد نظر حذف شده‌اند. به طورکلی پیکره مورد بررسی شامل ۱۰۳۳۷۱ واژه می‌باشد.

به این دلیل که دیدگاه اتخاذ شده در پژوهش حاضر الزاماً دیدگاهی کاربردشناسانه است، شناسابی عبارتهای احتیاط آمیز براساس نقشی که در بافت دارند و نیز براساس هدف نویسنده از به کار بردن آنها تعیین شد. چون هیچ معیار صوری و از پیش تعیین شده‌ای برای تشخیص عبارتهای احتیاط آمیز وجود ندارد و از طرفی ارزش و مفهوم هر واژه با عبارت نیز با توجه به محدودیتها و شرایط کاربردشناسی قابل تغییر است، تشخیص دقیق عبارتهای احتیاط آمیز بسیار مشکل می‌باشد و تا حد زیادی بستگی به برداشت شخص^{۲۶} دارد.

در این تحقیق تعریفی که هایلند (۱۹۹۸) برای عبارتهای احتیاط آمیز ارائه کرده ملاجی تشخیص این عبارات قرار گرفته است. براساس این تعریف عبارتهای احتیاط آمیز ابزاری می‌باشد که بیانگر تردید و عدم قطعیت بوده و نویسنده با استفاده از آنها می‌تواند عدم پایبندی کامل به ارزش صدق یک گزاره را نشان دهد و از عواقب منفی احتمالی جلوگیری کند. لازم به توضیح است که در این تحقیق عبارات احتیاط آمیز زبان انگلیسی به طور خودکار به فارسی برگردان نشده‌اند. ملاج، تعریف عبارات احتیاط آمیز بوده است؛ سپس هر ابزاری که در زبان فارسی این نقش را بر عهده داشته باشد به عنوان عبارت احتیاط آمیز تلقی شده است. بنابراین هر چند تعریف هایلند از این مقوله ملاج قرار گرفته اما روشن است که نمودهای زبانی آن از زبانی به زبانی دیگر فرق نمی‌کند.

۲۴. لازم به توضیح است که این پیش‌فرض تنها بر انتخاب بخش‌های مورد مقایسه (بخش بحث مقالات) تأثیر داشته، اما بر سوال اصلی تحقیق که مقایسه کاربرد این عبارات در دو نوع متن است تأثیری نداشته است. پیش‌فرض مذکور بعده را در انتخاب بخش از مقالات که بیشترین مزان عبارات احتیاط آمیز در آن ظاهر شود هدایت می‌کند. نتایج تحقیق نویسنگر تفاوت کاربرد عبارات احتیاط آمیز در «بخش بحث» مقالات ادبیات و شیعی است.

پس از شناسایی عبارتهای اختیاط آمیز آنها را به شش گروه (که در ادامه معرفی خواهد شد) تقسیم‌بندی کرده و میزان وقوع عناصر هر گروه در هر دو رشته بطور جداگانه محاسبه شدند. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و آزمونهای فیشر و مجذور کا – chi square استفاده شده است. لازم به ذکر است در مواردی که نمونه‌های منتخب متعلق به دو جامعه مستقل از هم میباشد از آزمون فیشر استفاده میشود. با این‌در این پژوهش هنگامی که به مقایسه نتایج حاصل از داده‌های حوزه شیمی و ادبیات میپردازیم از آزمون فیشر بهره میجوییم. جهت درک بیشتر، خلاصه نتایج هر آزمون به طور جداگانه در جداول مربوطه ارائه شده است.

طبقه‌بندی عبارتهای اختیاط آمیز براساس مقوله آنها صورت گرفته است. این مقولات شامل پنج گروه افعال و جهی، افعال اصلی، قیود، اسمی و صفاتی میباشند که بیانگر مفاهیم همچون تردید، تخمین، احتمال و نگرش نویسته هستند و گروه ششم گروه ارجاع میباشد. در ادامه به ارائه تقسیم‌بندی صورت گرفته و ذکر مثالهایی برای هر گروه میپردازیم.

افعال وجهی

مهمنرین فعل و جهی بیانگر تردید و احتمال که در مقالات علمی- پژوهشی فارسی کاربرد فراوان دارد فعل «توانستن» و معادل آن «ممکن بودن» است. مثال:

شباهت میان سیمرغ و عقاب و ارتباط عقاب با کوه یکی از دلایل جاذب‌جایی آشیانه در حمامه میتواند باشد.

افعال اصلی

شامل افعالی مانند: به نظر رسیدن، پنداشتن، تصور کردن، حدس زدن و ... میشود. اما به طور کلی به نظر میرسد در نقد شعر، به نگرش نقد، مسائل همزمانی و در زمانی هر دو به کار می‌آیند.

قیدها

قیدهای اختیاط آمیز براساس مفهوم به دو دسته زیر تقسیم شده‌اند.

الف- فیوہ بیانگر فرض و احتمال: مانند شاید، احتمالاً، انگار، گویند و
گویند سایه اندوه بر شعرش سایه‌ای ماندگار و سنگین است و فکر و ذهن او را به شدت تحت تأثیر فرار داده است.

ب- فیوہ بیانگر بسامد، کمیت و درجه نامشخص: مانند، تاحدی، به تقریب، گاه، تقریباً و
در این حالت، متوسط خطای مدل، در حدود سیزده درصد حداکثر ناخالصی محلول در مولد بخار است.

اسامي

مانند احتمال، امکان، فرض و

با فرض وجود نعادل بین ماده جذب شونده موجود در میال و ماده جذب شده موجود در فارجاذب، معادله زیر حاصل میشود.

صفات

مانند نزدیک، تقریبی، مورد تردید، نسبی و
به لحاظ کمی در آثار سعدی سیصد و هفتاد داستان وجود دارد که این برابری تقریبی و کمی حکایات بوستان و گلستان قابل تأمل و توجه است.

ارجاع

ارجاع تدبیری است که نویسنده متن به این وسیله سعی دارد با نقل مستقیم یا غیرمستقیم از دیگر محققان، اعتبار نوشته خود را افزایش داده یا مسئولیت کلام را بر عهده فرد دیگری واگذار کند (جلیلی فر، ۲۰۰۶).

براساس نظریات ز. رنت (۱۹۶۶: ۸۹) هر سکانس دارای یک عملکرد آنسی و یک عملکرد مدت دار میباشد.

نتایج بسامد وقوع عبارتهای احتیاط آمیز مربوط به شش گروه یادشده در دو رشته شیمی و ادبیات فارسی در جدول شماره (۱) ارائه شده است:

جدول ۱: فراوانی انواع عبارتهای احتیاط آمیز در رشته‌های ادبیات و شیمی

شیمی		ادبیات		
درصد	فراوانی	درصد (percent)	فراوانی (frequency)	
۳۵/۲	۱۸۱	۲۱/۶	۱۶۲	۱- افعال و جهی
۱۲/۱	۶۲	۷/۶	۵۷	۲- فعل اصلی
۴۰/۱	۲۰۶	۳۹/۲	۲۹۴	۳- قید
۸/۶	۴۴	۱۱/۳	۸۳	الف- فرض و احتمال
۳۱/۵	۱۶۲	۲۸/۱	۲۱۱	ب- بسامد، کمیت و درجه نامشخص
۵/۸	۲۰	۵/۲	۳۹	۴- اسم
۲/۷	۱۴	۲/۹	۲۲	۵- صفت
۴/۱	۲۱	۲۲/۵	۱۷۶	۶- ارجاع
۱۰۰	۵۱۴	۱۰۰	۷۵۰	جمع کل

۶- آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول:

H_0 (فرضیه صفر): نسبت عبارت احتیاط آمیز در مقالات شیمی و ادبیات با هم برابر است.

H_1 : نسبت عبارتهای احتیاط آمیز در دو رشته با هم برابر نیست.

برای آزمودن این فرضیه از مجدد کا دو طرفه استفاده می‌کنیم. همانطور که نتایج آزمون در جدول (۲) نشان میدهد میزان K^* مقدار ۵/۴۱۱ حاصل شده است ($K^* = ۵/۴۱۱$) که در مقایسه با K^* جداول آماری ($a = ۰/۰۵$ و $df = ۲ - ۱ = ۱$) بیشتر ($K^* = ۰/۰۲۴$) می‌باشد. بنابراین فرضیه صفر رد می‌شود. رد شدن فرضیه صفر به این معناست که میتوان با اطمینان ۹۵٪ این موضوع را مطرح کرد که نسبت کل عبارتهای احتیاط آمیز بکار رفته در مقالات شیمی و ادبیات تفاوت معنی‌داری با هم داردند.

حال که مشخص شد تفاوت موجود در نسبت عبارتهای احتیاط آمیز به کار رفته در دو رشته از نظر محاسبات آماری دارای اهمیت می‌باشد، به دنبال این هستیم که بدانیم این نسبت در کدام رشته بیشتر است. به این منظور فرضیه دوم را مطرح می‌کنیم.

فرضیه دوم:

H_0 : نسبت عبارتهای احتیاط آمیز در مقالات شیمی و ادبیات با هم برابر است.

H_1 : نسبت عبارتهای احتیاط آمیز در مقالات ادبیات بیشتر از مقالات شیمی است. برای آزمودن فرضیه صفر مطرح شده، از آنچه که نمونه‌ها (مقالات منتخب شیمی و ادبیات) متعلق به دو جامعه مستقل از هم می‌باشد از آزمون فیشر استفاده شده و نتایج آزمون در جدول (۲) نشان داده شده است. ارزش احتمال با میزان معنی داری مربوط به آزمون یک طرفه کوچکتر از 0.05 می‌باشد؛ بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه دیگر تأیید می‌شود؛ یعنی عبارتهای احتیاط آمیز در مقالات رشته ادبیات نسبت به شیمی به میزان بیشتری به کار رفته‌اند و تفاوت مشاهده شده نیز حائز اهمیت آماری می‌باشد.

جدول ۲ - نتایج تحلیل K^* و فیشر در مقالات رشته ادبیات و شیمی

میزان معنی داری (آزمودن دوطرفه) ^{۲۷}	میزان معنی داری (آزمون یکطرفه) ^{۲۸}	میزان معنی داری با ارزش احتمال (آزمون دوطرفه) ^{۲۹}	درجه آزادی	ارزش ^{۳۰}	
		.۰۰۲۰	۱	.۵/۴۱۱	K^* ^{۳۱} پیرسون ^{۳۲}
.۰۰۱۱	.۰۰۲۱				آزمون ^{۳۳} دقیق فیشر

حال در هر دو رشته به طور جداگانه به بررسی و مقایسه بسامد انواع مختلف عبارتهای احتیاط آمیز (شش گروه یاد شده) مبادراییم تا مشخص شود آیا تفاوت معنی داری بین مقوله‌های مختلف مشاهده می‌شود یا خیر؟

فرضیه سوم:

H_0 : نسبت انواع مختلف عبارتهای احتیاط آمیز (فعل و جهی، فعل اصلی، قید، اسم، صفت و ارجاع) در مقالات ادبیات با هم برابر است.

H_1 : در مقالات ادبیات حداقل یکی از انواع عبارات احتیاط آمیز با بقیه متفاوت می‌باشد. برای آزمودن این فرضیه از آزمون مجذور کا استفاده می‌کنیم. نتایج تحلیل K^* در جدول (۳) ارائه شده است؛ مشاهده می‌شود چون ارزش احتمال کمتر از 0.05 می‌باشد

27. Value

28. Asymp. Sig. (2-sided)

29. Exact sig (2-sided)

30. Exact sig (1-sided)

31. Pearson chi-square (K2)

32. Fisher's exact test

H_1 : نسبت عبارتهای احتیاط آمیز در مقالات ادبیات بیشتر از مقالات شیمی است. برای آزمودن فرضیه صفر مطرح شده، از آنچه که نمونه‌ها (مقالات منتخب شیمی و ادبیات) متعلق به دو جامعه مستقل از هم می‌باشد از آزمون فیشر استفاده شده و نتایج آزمون در جدول (۲) نشان داده شده است. ارزش احتمال با میزان معنی داری مربوط به آزمون یک طرفه کوچکتر از 0.05 می‌باشد؛ بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه دیگر تأیید می‌شود؛ یعنی عبارتهای احتیاط آمیز در مقالات رشته ادبیات نسبت به شیمی به میزان بیشتری به کار رفته‌اند و تفاوت مشاهده شده نیز حائز اهمیت آماری می‌باشد.

جدول ۲ - نتایج تحلیل K^* و فیشر در مقالات رشته ادبیات و شیمی

میزان معنی داری (آزمودن دوطرفه) ^{۲۷}	میزان معنی داری (آزمون یکطرفه) ^{۲۸}	میزان معنی داری با ارزش احتمال (آزمون دوطرفه) ^{۲۹}	درجه آزادی	ارزش ^{۳۰}	
		.۰۰۲۰	۱	.۵/۴۱۱	K^* ^{۳۱} پیرسون ^{۳۲}
.۰۰۱۱	.۰۰۲۱				آزمون ^{۳۳} دقیق فیشر

حال در هر دو رشته به طور جداگانه به بررسی و مقایسه بسامد انواع مختلف عبارتهای احتیاط آمیز (شش گروه یاد شده) مبادرایی تا مشخص شود آیا تفاوت معنی داری بین مقوله‌های مختلف مشاهده می‌شود یا خیر؟

فرضیه سوم:

H_0 : نسبت انواع مختلف عبارتهای احتیاط آمیز (فعل و جهی، فعل اصلی، قید، اسم، صفت و ارجاع) در مقالات ادبیات با هم برابر است.

H_1 : در مقالات ادبیات حداقل یکی از انواع عبارات احتیاط آمیز با بقیه متفاوت می‌باشد. برای آزمودن این فرضیه از آزمون مجذور کا استفاده می‌کنیم. نتایج تحلیل K^* در جدول (۳) ارائه شده است؛ مشاهده می‌شود چون ارزش احتمال کمتر از 0.05 می‌باشد

27. Value

28. Asymp. Sig. (2-sided)

29. Exact sig (2-sided)

30. Exact sig (1-sided)

31. Pearson chi-square (K2)

32. Fisher's exact test

بنابراین فرضیه صفر رد می‌شود؛ یعنی نسبت انواع مختلف عبارتهای احتیاط‌آمیز در رشته ادبیات با هم مساوی نیست و همانطور که جدول (۱) نشان میدهد عبارتهای احتیاط‌آمیز قبیل بیشترین بسامد وقوع را دارند.

جدول ۳ - نتایج تحلیل K^* مربوط به انواع عبارتهای احتیاط‌آمیز در رشته ادبیات

۴۴۱/۲۸۰	ارزش K^*
۶-۱=۵	درجه آزادی
۰/۰۰۰	میزان معنی‌داری یا ارزش احتمال

حال به مقایسه بسامد عبارتهای احتیاط‌آمیز مربوط به شش مقوله پادشاهی در رشته شیمی می‌پردازیم⁴ به این منظور فرضیه چهارم را مطرح می‌کنیم
فرضیه چهارم:

H_0 : نسبت انواع مختلف عبارتهای احتیاط‌آمیز در مقالات شیمی با هم برابر است.
 H_1 : در مقالات شیمی حداقل یکی از انواع عبارات احتیاط‌آمیز با بقیه متفاوت است.
برای آزمون این فرضیه نیز مشابه فرضیه سوم عمل می‌کنیم. همانطور که نتایج تحلیل محدود کا در جدول ۴ نشان میدهد باز هم ارزش احتمال کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد و فرضیه صفر رد می‌شود، یعنی نسبت انواع عبارتهای احتیاط‌آمیز در رشته شیمی نیز با هم مساوی نمی‌باشد. همانطور که جدول (۱) نشان میدهد عبارتهای احتیاط‌آمیز قبیل بیشترین بسامد را دارا می‌باشند.

جدول ۴ - نتایج تحلیل K^* مربوط به انواع عبارتهای احتیاط‌آمیز در رشته شیمی

۴۲۶/۵۹۹	ارزش K^*
۶-۱=۵	درجه آزادی
۰/۰۰۰	میزان معنی‌داری یا ارزش احتمال

۷- مقایسه بسامد انواع مختلف عبارتهای اختیاط آمیز بین رشته‌های ادبیات و شیمی در این بخش به مقایسه بسامد شش مفوله مشخص شده برای عبارات اختیاط آمیز بین دو رشته ادبیات و شیمی میپردازیم. خلاصه نتایج تحلیل K^2 در جدول (۵) آرائه شده است.

جدول ۵- نتایج تحلیل K^2 مربوط به انواع عبارتهای اختیاط آمیز در رشته‌های شیمی و ادبیات

P	K^2	درصد	فرآوانی عبارت‌های اختیاط آمیز	رشته	انواع عبارتهای اختیاط آمیز
۰/۰۰۱	۱۱/۰۱۵	۴۱/۶	۱۶۲	ادبیات	۱- فعل و جهی
		۳۵/۲	۱۸۱	شیمی	
۰/۰۷۹	۳/۰۶۰	۷/۶	۵۷	ادبیات	۲- فعل اصلی
		۱۲/۱	۶۲	شیمی	
۰/۰۴۰	۱/۰۷۸	۳۹/۲	۲۹۴	ادبیات	۳- قید
		۴۰/۱	۲۰۶	شیمی	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۵/۲	۳۹	ادبیات	۴- اسم
		۵/۸	۳۰	شیمی	
۰/۰۱۶	۰/۳۶۶	۲/۹	۲۲	ادبیات	۵- صفت
		۲/۷	۱۴	شیمی	
۰/۰۰۰	۸۸/۰۰۹	۲۳/۰	۱۷۶	ادبیات	۶- ارجاع
		۴/۱	۲۱	شیمی	

افعال و جهی

اولین مفوله در تقسیم‌بندی ارائه شده مربوط به افعال و جهی میباشد. همانگونه که پیشتر اشاره شد مفهوم عبارات اختیاط آمیز با مفهوم وجه همپوشی دارد. در زبان فارسی مفهوم وجه از طریق افعال و جهی منتقل میشود. افعال و جهی به کاررفته در متون مورد بررسی، شامل دو فعل توانستن (و معادل معنایی آن یعنی ممکن بودن) و شدن (میشد، میشود) میباشد.

پرکاربردترین فعل و جهی به کاررفته در هر دو رشته نیز «توانستن» میباشد و تقریباً نواد در صد کل افعال و جهی به کاررفته را شامل میشود. همانطور که مثالهای زیر نشان میدهد این فعل به دو صورت شخصی و غیرشخصی (میتوان + بن ماضی فعل اصلی) کاربرد دارد.

مثال:

ادبیات بخصوص در مواضع مربوط به واقعیت «بودن» و «آدم» میتواند بیان‌کننده روح تاریخ، کار و روابط آدمی، چگونگی وضع و حال انسان در موقعیت معینی از تاریخ و آیینه تمام‌نمای نمونه‌های بشری در طبقات و فئرهای موقعیت‌های مختلف جامعه باشد.

به عبارتی دیگر میتوان گفت که برای دستیابی به بیشترین قطبش ناشی از جذب سریش در دمایهای بالاتر به خلقتها کمتری از سریش نیاز است.

در مثالهای بالا نویسنده قصد دارد با استفاده از افعال و جهی به نوعی نگرش خود را نسبت به مسئله مطرح شده نشان داده و از میزان تعهد و تضمین نسبت به گزاره بکاهد.

افعال اصلی

از بین افعال اصلی به کار رفته، فعل «به نظر رسیدن» در رشته ادبیات و فعل «فرض کردن» در رشته شیمی بیشترین کاربرد را دارد. کاربرد فراوان فعل «فرض کردن» در پژوهش‌های رشته شیمی قابل انتظار است؛ چون همانطور که میدانیم پژوهش‌های تجربی دائماً با ارائه و آزمون فرضیات سروکار دارند. دیگر افعال پرکاربرد در دو رشته، شامل افعال «تلقی شدن» و «فرض کردن» میباشد.

قیدها

سومین مقوله در تقسیم‌بندی ارائه شده در جدول (۵) مربوط به دسته قيد میباشد که در هر دو رشته نیز بالاترین میزان وقوع را دارد. در مجموع تعداد پانصد قيد احتیاط‌آمیز (حدود ۳۹/۶ درصد کل عبارات احتیاط‌آمیز) در پیکره مورد بررسی، به کار رفته است که دویست و نواد و چهار مورد مربوط به رشته ادبیات و دویست و شش مورد مربوط به رشته شیمی میباشد.

پرکاربردترین فعل و جهی به کاررفته در هر دو رشته نیز «توانستن» میباشد و تقریباً نود درصد کل افعال و جهی به کاررفته را شامل میشود. همانطور که مثالهای زیر نشان میدهد این فعل به دو صورت شخصی و غیرشخصی (میتوان + بن ماضی فعل اصلی) کاربرد دارد.

مثال:

ادبیات بخصوص در مواضع مربوط به واقعیت «بودن» و «آدم» میتواند بیان کننده روح تاریخ، کار و روابط آدمی، چگونگی وضع و حال انسان در موقعیت معینی از تاریخ و آیینه تمام‌نمای نمونه‌های بشری در طبقات و فئرهای موقعیت‌های مختلف جامعه باشد.

به عبارتی دیگر میتوان گفت که برای دستیابی به بیشترین قطبش ناشی از جذب سریش در دمایهای بالاتر به خلقتها کمتری از سریش نیاز است.

در مثالهای بالا نویسنده قصد دارد با استفاده از افعال و جهی به نوعی نگرش خود را نسبت به مسئله مطرح شده نشان داده و از میزان تعهد و تضمین نسبت به گزاره بکاهد.

افعال اصلی

از بین افعال اصلی به کار رفته، فعل «به نظر رسیدن» در رشته ادبیات و فعل «فرض کردن» در رشته شیمی بیشترین کاربرد را دارد. کاربرد فراوان فعل «فرض کردن» در پژوهش‌های رشته شیمی قابل انتظار است؛ چون همانطور که میدانیم پژوهش‌های تجربی دائماً با ارائه و آزمون فرضیات سروکار دارند. دیگر افعال پرکاربرد در دو رشته، شامل افعال «تلقی شدن» و «فرض کردن» میباشد.

قیدها

سومین مقوله در تقسیم‌بندی ارائه شده در جدول (۵) مربوط به دسته قيد میباشد که در هر دو رشته نیز بالاترین میزان وقوع را دارد. در مجموع تعداد پانصد قيد احتیاط‌آمیز (حدود ۳۹/۶ درصد کل عبارات احتیاط‌آمیز) در پیکره مورد بررسی، به کار رفته است که دویست و نود و چهار مورد مربوط به رشته ادبیات و دویست و شش مورد مربوط به رشته شیمی میباشد.

از بین قیودی که بیانگر تردید، احتمال و فرض میباشد قیدهای شاید و گویی در رشته ادبیات دارای بیشترین فراوانی است و در رشته شیمی قید شرطی اگر بیشترین کاربرد را دارد. از گروه دوم یعنی قیود بسامد، کمیت و درجه نامشخص، قید گاه (گاهی) در ادبیات و حدود (در حدود) در متون شیمی پر کاربردترین موارد میباشد.

به نظر میرسد علت کاربرد فراوان قید اگر در رشته شیمی مرسوط میشود به ماهیت موضوع و نوع مقالات این رشته که بیشتر از نوع تجربی است و در این قیل پژوهشها محققان بیشتر به دنبال بررسی و اثبات فرضیه‌ها میباشند، بنابراین ساختارهای فرضی کاربرد فراوانی دارند.

در صورتی که در رشته ادبیات موارد کمتری از این قیل ساختارها مشاهده میشود، بنابراین اگر در این رشته وقوع کمتری دارد.

کاربرد فراوان قید حدود (در حدود) در رشته شیمی را نیز میتوان اینگونه توجیه کرد که در مقالات شیمی فرمولها و آمار و ارقام فراوانی به کار میروند و معمولاً از این قید همراه با اعداد که بیانگر کمیت میباشد استفاده میشود تا عدم قطعیت و تردید در مورد میزان دقیق را نشان دهد. به مثال‌های زیر توجه شود:

به طور متوسط، شارِ کاذب پایدار، بهمازای افزایش هر یک درصد چربی شیر در حدود ۱/۳ درصد کاهش یافته است.

اسامی

در مجموع نعداد نصت و نه عبارت احتیاط آمیز اسمی (حدود ۵/۴۰ درصد کل عبارتهای احتیاط آمیز) در یکرده مورد بررسی تعیین گردید.

از بین اسامی به کار رفته واژه «امکان» رایجترین کلمه در رشته ادبیات میباشد و در رشته شیمی نیز «احتمال» بیشترین کاربرد را دارد. واژه «فرض» نیز نسبت به دیگر لغات کاربرد بیشتری دارد. به مثال‌های زیر توجه شود:

با این زاویه دید امکان اینکه چیز دیگری علاوه بر آنکه شخصیت میبیند و یا درباره آن می‌اندیشد بیان شود وجود ندارد.

جوهر یا همان توپر چاپ زیراکس با ساختار صفحه گستره و ابعاد بزرگتر از توپر چاپ پرینت در خمیر کاغذ پخش می‌شود و احتمال نایاب‌داری پیوند و درگیر شدن مجدد ذره‌های جوهر با شبکه الیاف کاغذ بیشتر می‌شود. این موضوع احتمالاً ناشی از غیردقیق بودن فرض یکنواخت بودن ناخالصی محلول روی صفحه مشبك و غیریکنواخت بودن میزان آب برگشته از نواحی کناری به داخل مولد بخار است.

صفات

همانطور که از جدول (۵) میتوان نتیجه گرفت در هر دو رشته نیز عناصر این مقوله کمترین میزان فراوانی را دارد؛ یعنی در کل شامل سی و شش مورد (حدود ۲/۹ درصد کل عبارتهاي احتياط‌آمير) میباشد که بیست و دو مورد در رشته ادبیات و چهارده مورد متعلق به رشته شیمی است. بطور کلی در هر دو رشته، صفات احتياط‌آمير (تفربین، نسبی، نزدیک و منکن (امکانپذیر)، پرکاربردند. به مثالهای زیر توجه کنید:

در یک محاسبه تفربین مشخص شد در این مجموعه بیش از یکهزار و ششصد واژه قاموسی به کار رفته است.

نتیجه‌ها نمایانگر توافق نسبی محاسبه‌ها با داده‌های تجربی است.

ارجاع

تعداد کل ارجاعات به کار رفته در پیکره موجود یکصد و نود و هفت فقره میباشد (حدود ۱۵/۶ درصد کل عبارتهاي احتياط‌آمير). نکته قابل توجه این است که میزان وقوع ارجاعات در مقاله‌های ادبیات ($n=176$) بیشتر از شیمی ($n=21$) میباشد.

لازم به یادآوری است که جلیلی فر (۲۰۰۶) نیز در پژوهش خود به نتیجه مشابهی رسید یعنی به اعتقاد او ارجاع در مقالات پژوهشی علوم انسانی در مقایسه با علوم طبیعی کاربرد بیشتری دارد. به مثال زیر که از مقولات مورد بررسی مربوط به رشته شیمی انتخاب شده است توجه کنید:

تامسون در سال ۱۹۷۵ میلادی نشان داد که افزایش درصد چربی شیر موجب افزایش میزان بازداری لاکتوز میشود.

در مورد مثال بالا میتوان گفت نویسنده با انکا به نظر شخص دیگر مسئولیت خود را در برابر صحت گزاره مطرح شده به حداقل رسانده است.

همانطور که در جدول ۵ مشاهده میشود ارزش احتمال مربوط به افعال غیراصلی و ارجاع کمتر از ۰/۰۵ میباشد و انواع دیگر (فعل اصلی، قید، اسم و صفت) بیشتر از ۰/۰۵ است. این نکته بیانگر این است که تفاوت مشاهده شده در بسامد عبارتهای احتیاط آمیز متعلق به مقوله فعل غیراصلی و ارجاع بین دو رشته ادبیات و شیمی معنی دار میباشد؛ بطوری که در رشته شیمی، افعال غیراصلی و در رشته ادبیات ارجاع به منابع دیگر دارای بسامد بیشتری است. ولی تفاوتی که در بسامد عبارتهای احتیاط آمیز قیدی، فعل اصلی، اسم و صفت بین دو رشته مشاهده میشود از نظر آماری اهمیتی ندارد و احتمالاً ناشی از تصادف است.

-۸- نتیجه

در پژوهش حاضر به بررسی و مقایسه دسته های چندگانه عبارتهای احتیاط آمیز در مقالات علمی - پژوهشی رشته ادبیات فارسی و شیمی پرداخته شد. نتایج این پژوهش نشان میدهد بسامد عبارتهای احتیاط آمیز به کار رفته در مقالات علمی - پژوهشی در رشته های مختلف با هم متفاوت است. همانطور که از تحلیلهای آماری میتوان نتیجه گرفت از بین دو رشته مورد بررسی، درصد وقوع عبارتهای احتیاط آمیز در مقالات مربوط به رشته ادبیات نسبت به رشته شیمی بیشتر است؛ با در نظر گرفتن طبیعت رشته های مورد بررسی این نتایج صحیح به نظر میرسند. در مقالات ادبی برعلاف مقالات رشته شیمی که در آن محققان نقریباً با قطعیت و براساس شواهد تجربی از نتایج پژوهش صحبت میکنند، در اکثر موارد نمیتوان حکم قطعی مطرح کرد؛ بنابراین ابزار احتیاط آمیز بیشتری را میطلبند.

با توجه به نتایج تحلیلهای آماری، در میزان وقوع صورتهای مختلف عبارتهای احتیاط آمیز نیز تفاوت هایی مشاهده میشود. از جمله در هر دو رشته، عبارتهای احتیاط آمیز قیدی بیشترین بسامد وقوع را دارند. لازم به یادآوری است در رشته شیمی گروه مربوط به

افعال و جهی نیز بسامدی تقریباً مشابه قیدها دارند. به نظر میرسد علت وقوع فراوان عبارتهای اختیاط‌آمیز قیدی نسبت به مقولات دیگر در مقالات مورد بررسی، تنوع معنایی و کاربردهای متعدد و گسترده این عناصر در زبان فارسی می‌باشد.

نتایج یاد شده، یافته‌های پژوهش وارتالا (۲۰۰۱) را تأیید می‌کند که نشان داد در رشته‌های صنعتی قیدها پرسامدترین ابزار اختیاط‌آمیز می‌باشند. هایلند (۱۹۹۵) بسامد قیدهای اختیاط‌آمیز در مقالات علمی - پژوهشی انگلیسی را در رتبه دوم پس از افعال اصلی گزارش کرده است.

علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان میدهد قیدهای بسامد و کمیت در رشته شیمی نست به ادبیات درصد بیشتری را شامل می‌شوند. شاید این مسئله را بتوان اینگونه توجیه کرد که چون بخشی از پژوهش‌های شیمی مربوط به محاسبات و کمیتها می‌باشد بنابراین این قیدها کاربرد بیشتری دارند تا عدم قطعیت کمیتها را نشان دهند. نتیجه قابل توجه دیگر این است که در مقالات مورد بررسی عبارتهای اختیاط‌آمیز متعلق به مقوله صفت نسبت به انواع دیگر حداقل میزان وقوع را داشتند.

با مقایسه افعال و جهی به کار رفته در دو رشته، این نتیجه حاصل شد که کاربرد این افعال در رشته شیمی نسبت به ادبیات بیشتر است و این تفاوت از نظر محاسبات آماری دارای اهمیت می‌باشد.

در مورد افعال اصلی، مشاهده شد فعل «به نظر رسیدن» در رشته ادبیات و فعل «فرض کردن» در رشته شیمی بیشترین کاربرد را دارد. کاربرد فراوان فعل «فرض کردن» در پژوهش‌های رشته شیمی قابل انتظار است؛ چون همانطور که میدانیم پژوهش‌های تجزیی دائمًا با ارائه و آزمون فرضیات سروکار دارند.

از بین عبارات اختیاط‌آمیز متعلق به مقوله اسم، واژه «امکان»، رایج ترین واژه در رشته ادبیات می‌باشد و در رشته شیمی نیز «احتمال» بیشترین کاربرد را دارد. واژه «فرض» نیز نسبت به موارد دیگر کاربرد بیشتری دارد.

نکته قابل توجه در مورد ارجاع این است که ارجاع به مراجع دیگر در رشته ادبیات نسبت به شیمی وقوع بیشتری دارد و این تفاوت معنادار است. تفاوت موجود در بسامد ارجاع بین دو رشته را میتوان این گونه توجیه کرد که در مقالات مربوط به رشته شیمی که

با ارائه شواهد و داده‌های عینی سروکار دارند، نویسنده در ارائه نتایج و ادعاهای خود به آزمایشات تجربی که انجام داده است استناد می‌کند و فقط هنگام مقایسه نتایج تحقیق با یافته‌های پژوهشها دیگر از ارجاع استفاده می‌کند. در صورتی که در رشته ادبیات به دلیل ماهیت توصیفی مقالات، استناد به مراجع دیگر کاربرد فراوانی دارد.

پدیده قابل تأمل دیگر این است که برخی مقالات در مقایسه با مقالات دیگر همان رشته و با موضوعی بسیار مشابه عبارتهای احتیاط آمیز بسیار بیشتری را شامل می‌شوند. به عنوان مثال در یکی از مقالات ادبیات فارسی افعال وجهی «میتوان و بتوان» وقوع بسیار بالای داشتند. این نکته احتمالاً بیانگر این است که سبک شخصی نویسنده نیز بر بسامد و نوع عبارتهای احتیاط آمیز تأثیرگذار می‌باشد.

با توجه به اینکه پژوهش حاضر کاربرد عبارتهای احتیاط آمیز در مقالات پژوهشی را مورد بررسی قرار میدهد بنابراین نتایج این پژوهش میتواند در یاری رساندن به دانشجویان و پژوهشگران در امر نوشتمن، مخصوصاً نوشتمن مقالات علمی - پژوهش مفید واقع شود. درواقع آنها باید با درجات مختلف تأکید و اطمینان نویسنده از گزاره‌های مطرح شده آنها شوند و بتوانند حقایق را از تعابیر و تفاسیر نویسنده تشخیص دهنند. همچنین این نوع آگاهی میتواند به این مسئله نیز کمک کند که چگونه میتوان انتظار داشت نوشته‌های بسیار رشته خاص دارای ساختارهای قابل پیش‌بینی باشد.

منابع

- پیران، فاطمه شایسته (۱۳۷۵). سخن‌کاوی و تحلیل مکالمه، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- دلاور، علی (۱۳۸۳). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، چاپ پانزدهم، تهران: نشر ویراست.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۹). درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- Brown , P. and S. Levinson. (1987) . *Politeness : Some universals in language usage*. Cambridge: Cambridge University Press .
- Coates, J. (1983).*The semantics of the modal auxiliaries*, London: Croom Helm .
- Coates , J. (1987) . Epistemic modality and spoken discourse . *Transactions of the Philological Society* 85 .

- Duszak , A (1997) . *Culture and style of academic discourse* . Berlin: Mouton de Gruyter .
- Hovy , D . (2004) . "Hedges" available at:
http://www.drikhovy.de/portfolio/papers/download/hedges_drik-Hovy.pdf. Retrieved: 2008
- Hyland , K. (1995) . "The author in the text : Hedging Scientific writing " , <Http://sunzi1.lib.hku.hk/hkjo/view/4/400116.pdf>. Retrieved: 2008.
- Hyland , K. (1996) . "Writing without conviction ? Hedging in science research articles . *Applied Linguistics* 17(4):433– 453
- Hyland , K . (1998) . *Hedging in scientific research articles* . Amsterdam: John Benjamins .
- Hyland , K . (2006) . Medical discourse : Hedges . In K. Brown (ed.) *Encyclopedia of language and linguistics* 2nd edition.(694 – 698) Oxford: Elsevier.
- Jalilifar , A.R. (2006). All the way through the hedges: A corpus analysis of hedges in research articles. paper presented at 7th Iranian conference on linguistics ,(2007), Tehran , Iran.
- Lakoff, G. (1973). Hedges: A study in meaning criteria and the Logic of fuzzy concepts. *Journal of Philosophical Logic* 2 (4):458 - 508.
- Markkanen , R and H. Schroder . (1996) . Hedging : A challenge for pragmatics and discourse analysis . in R. Markkanen (ed.)*The analysis of a pragmatic phenomenon in academic texts* (3 – 18). Berlin: Walter de Gruyter .
- Markkanen , R and H. Schroder . (1997) . *Hedging and discourse : Approaches to the analysis of a pragmatic phenomenon in academic texts*. berlin: Walter de Gruyter.
- Mauranen , A . (1997) . Hedging in language reviser's hands . In Markkanen . *Hedging and discourse : Approaches to the analysis of a pragmatic phenomenon in academic texts* (115 – 133). Berlin : Walter de Gruyter.
- Myers , G . (1989) . The pragmatics of politeness in scientific and H Schroder (eds.) - articles . *Applied Linguistics* 10(1) : 1– 35 .
- Palmer , F.R . , (1986) . *Mood and modality* , Cambridge: Cambridge University Press .
- Varttala , T . (2001) . Hedging in scientifically oriented discourse , exploring variation according to discipline and intended audience " , <Http://acta.uta.fi/pdf/951-44- 5195- 3.pdf>. Retrieved: 2008.